



بخش دوم و پایانی میزگرد "رموز و پیچیدگیهای توسعه دانایی محور"

انسان، محیط و توسعه

شرکت کنندگان در میزگرد

اشاره

امروز بسیاری در سراسر جهان با محور قراردادن دانش و معرفت در عرصه های مختلف بر این باورند که سرعت بخشیدن به مبادله دانش و اطلاعات از طریق فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی، نقشی بسیار کلیدی در دستیابی به توسعه همه جانبه دارد و در واقع جامعه مبتنی بر دانش، اطلاعات و دانایی به عنوان الگوی توسعه شناخته می شود. البته شکی نیست که توسعه مبتنی بر دانش و دانایی دارای پیچیدگیهایی است که راههای رسیدن به آن چندان ساده و روان نیست و طبعاً به الزامات و لوازمی نیاز دارد که در نخستین بخش میزگرد به پاره ای از آنها اشاره شد.

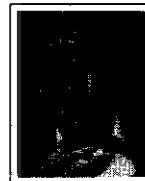
در بخش نخست میزگرد، هریک از صاحبانظران از دیدگاهی خاص جنبه هایی از این مقوله را مورد بحث و چالش فکری قرار دادند. یکی از آنان بر این نکته تاکید داشت که مفهوم «توسعه دانایی محور» به نوعی «فرهنگ محور» است و در این حالت، پیش نیاز تحقق آن این است که محورهای مدیریت توسعه جامعه دانش محور شناخته شود. صاحب نظری دیگر از لوازم توسعه مبتنی بر دانایی به عنوان سکوهایی پرتاب یاد کرد و گفت یکی از این سکوهایی مهم، ذهنیت فرهنگی است که در جامعه صنعتی پرورش پیدا کرده و به جامعه اطلاعاتی وارد شده است. همو می گوید جامعه ای که از دل جامعه صنعتی وارد جامعه اطلاعاتی شده است، حداقل ۴۰ سال است که منابع پژوهشی آن ۳ درصد تولید ناخالص ملی را تشکیل می دهد، ما چگونه می خواهیم از ۱/۴ درصد، ناگهان به ۳ درصد برسیم؟ یکی دیگر از شرکت کنندگان ضمن بیان دیدگاههای خود به رابطه نزدیک میان منابع انسانی و برتری و افزایش درآمد سازمانها اشاره داشت و گفت تحقیقات فراوان در دنیا بیانگر این واقعیت است که بین موفقیت سازمانها و سرمایه گذاری آنها در توسعه منابع انسانی، همبستگی مثبت وجود دارد و درمورد اینکه آموزش، مطبوعات و کتاب روی قابلیت انسانها و سازمانها تاثیر گذارند، کوچکترین تردیدی نیست.

اساتید دیگر شرکت کننده در بحث با تاکید بر نقش آموزش و نشریات تخصصی در توسعه بر این باور بودند که پیشبرد و شکل گیری جامعه اطلاعاتی در همه کشورها از جمله کشورهای درحال توسعه مهمترین راه جبران عقب ماندگی و رسیدن به توسعه پایدار است. بر این اساس اگر از لحاظ ذهنی و فرهنگی توسعه نیافته باشیم، هنگام حرکتهای الزامی به جای آنکه سرعت بگیریم، زمین می خوریم و آسیب می بینیم.

در بخش دوم و پایانی میزگرد، میهمانان شرکت کننده نکات و گوشه های تازه ای از بحث را شفاف و مورد کنکاش قرار داده اند که باسپاس مجدد از تمامی آنها، شما را به خواندن آن دعوت می کنیم.



بهزاد ابوالملایی: دکترای مدیریت دولتی با گرایش منابع انسانی، دارای سابق مدیریت در حوزه مدیریت منابع انسانی، مدرس و مشاور مدیریت منابع انسانی



جعفر توفیقی: دکترای تخصصی در مهندسی شیمی از دانشگاه پلی تکنیک بخارست، استاد گروه مهندسی شیمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تربیت مدرس، عضو هیأت انای فرهنگستانهای جمهوری اسلامی ایران، وزیر سابق علوم، تحقیقات و فناوری.



محمدهدی فرقانی: دکترای علوم ارتباطات، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، رئیس دانشکده علوم اجتماعی و علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، سردبیر ماهنامه تدبیر.



فرویا لالیگی: دکترای مدیریت از دانشگاه برنل (Brunel) انگلستان، عضو هیأت علمی دانشگاههای الزهرا و شریف، مدیرعامل سازمان فرهنگی فرا.



سیدمحمدهدی فرقانی: فوق لیسانس مهندسی سیستمها، رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل موسسه مهندسی توسعه اجتماعی، عضو هیأت علمی سازمان مدیریت صنعتی.

من هرگونه فعالیتی که دسترسی مردم را به اطلاعات محدود و مسدود کند، برخلاف سیاستهای جامعه دانش محور است. نکته دیگر در حوزه فرهنگ این است که در جامعه دانش محور، رفتارها باید عقلانی باشد و جامعه باید با تصمیم‌گیری عقلایی، مشکلات و مسایل را حل کند. اصولاً برخورد احساسی و هیجانی از ویژگیهای جامعه دانایی نیست. سوال این است که آیا ما آمادگی ورود به جامعه اطلاعاتی را داریم؟ به عبارت دیگر توان تجزیه و تحلیل اطلاعات، ترکیب اطلاعات و نتیجه‌گیری از اطلاعات را داریم؟

به عنوان ابزار توسعه و تفاهم اجتماعی مورد تبادل نظر و چالش قرار خواهد گرفت. باتوجه به مقدمه کوتاهی که عرض شد از آقای دکتر توفیقی درخواست می‌شود به بیان دیدگاههای خود بویژه درباره نقش اطلاعات و دانش در حوزه فرهنگ و اقتصاد و جایگاهی که دولت در این زمینه دارد بپردازند.

دکتر توفیقی: در حوزه فرهنگ چه اتفاقی باید بیفتد؟ یکی از بحثهایی که شاید به بحث امروز ما هم بیشتر مربوط شود، جریان اطلاعات است که باید در کشور تشدید شود. بحث رسانه‌ها یکی از مثالهای روشن قضیه است.

دکتر فرقانی: به نام خدا. در نخستین بخش میزگرد، میهمانان ارجمند ضمن بیان ویژگیهای توسعه دانایی محور بر این نکته تاکید داشتند که بین موفقیت سازمانها و سرمایه‌گذاری آنها در توسعه منابع انسانی نظیر آموزش، دسترسی به مطبوعات و کتاب، همبستگی مثبت وجود دارد. اصولاً نگرش به جایگاه و کارکرد اطلاعات در توسعه، معطوف به نقش دولتها در برخورد با نظام تولید و توزیع اطلاعات و طراحی مکانیسم‌هایی است که بتواند تولید دانش، توزیع و درنهایت مصرف آن را در اولویت قرار دهد. علاوه بر این با محوری دانستن انسان دانش مدار در جامعه دانایی



محور، به این نتیجه رسیدیم که در چنین جامعه ای باید ظرفیت های دانشی جامعه تشدید و تقویت شده و چرخه های آن تکمیل شوند. این تلقی نیز مطرح شد که ایجاد و توسعه جامعه اطلاعاتی و جامعه معرفتی بستر ساز توسعه دانایی محور است و لذا برای رسیدن به اهداف توسعه، سیاستگذاران و برنامه ریزان فرهنگی نقشی کلیدی و تاثیرگذار دارند. در بخش حاضر محورهای دیگری از بحث نظیر جایگاه دولت در جامعه دانایی محور، چگونگی دسترسی مردم به اطلاعات، نگرش نسبت به اطلاعات و آموزش، نقش تشریفات تخصصی در تولید و توزیع دانش، آثار شاخص توسعه انسانی بر درآمد سازمانها و درنهایت ضرورت بهره‌گیری از رسانه‌ها

یکی از الزامات جامعه دانش و دانایی، تشدید جریان اطلاعات، افزایش حجم آن و افزایش حجم تعاملات فرهنگی و فکری در جامعه است؛ یعنی هر چیزی که تولید و توزیع دانش را تحریک کند، و در اختیار گرفتن دانش را تسهیل کند، برای اینکه در جامعه دانایی، همه چیز بر محور فرد یادگیرنده قرار می‌گیرد. اصولاً فردی که یادگیرنده نباشد در جامعه دانایی در حاشیه قرار دارد و نمی‌تواند در توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... مشارکت کند.

بنابراین در جامعه اطلاعاتی دسترسی مردم به اطلاعات از طریق رسانه‌ها، تشریفات، صداوسیما، دانشگاهها و مراکز رسمی و غیررسمی تعیین‌کننده است. بنابراین به‌نظر

سخن آخر اینکه در اقتصاد دانش و توسعه دانش، باید اصل فراهم‌کردن زمینه ای باشد که محرک ظرفیتها و استعدادهاست. توسعه

محض بحث صرفه‌جویی، سازمانهای ما به سراغ کاهش یا قطع هزینه‌های آموزشی و قطع خرید کتاب و نشریه می‌روند؛ زیرا منطقاً باید هزینه را کاهش داد. اگر آموزش، هزینه تلقی شد، اولین جایی که بودجه آن قطع می‌شود، آموزش است. در صورتی که اگر به آموزش به عنوان یک سرمایه‌گذاری نگاه کنیم، آن وقت است که منطق به ما حکم می‌کند تا سرمایه‌گذاری‌های خود را افزایش دهیم.

البته این مطلب یک علت دیگر هم دارد و آن نظام ارزیابی مدیران است. وقتی شما در نظام ارزیابی مدیران، ملاک را بالا بردن سود در کوتاه‌مدت می‌بینید، و یا مدیری تشویق می‌شود که در کوتاه‌مدت هزینه‌ها را کاهش دهد و یا به اصطلاح صرفه‌جویی نماید، مدیران در پی چاره‌جویی برمی‌آیند تا خود را در کوتاه‌مدت موفق نشان دهند. حاکمیت این طرز تفکر، مدیران را بر آن می‌دارد تا سیاستهای صرفه‌جویی خود را معطوف به کاهش یا قطع هزینه‌های سرمایه‌ای از قبیل هزینه‌های آموزشی یا بهداشتی کنند.

اثرات سوء چنین اقداماتی را می‌توان در یک مثال کوچکتر، روشن‌تر دید. چنانچه به یک سرپرست خانواده بگوییم که باید صرفه‌جویی کنی تا رفاه خانواده بیشتر شود، و این فرد در جهت پیاده‌سازی سیاست صرفه‌جویی در هزینه‌ها اعلام کند که از فردا صبح بچه‌ها دیگر نباید به مدرسه بروند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ کاملاً روشن است که در کوتاه‌مدت در هزینه‌های خانواده ممکن است صرفه‌جویی شود، ولی در بلندمدت این خانواده با بحران مواجه می‌شود و رکود اجتماعی و اقتصادی خانواده قابل پیش‌بینی است. این مثال در سطح کلانش همان بی‌توجهی به آموزش به عنوان یک سرمایه‌گذاری است که در بلندمدت می‌تواند یک فاجعه ملی را به دنبال داشته باشد، بدون آنکه در کوتاه‌مدت متوجه آن شویم.

نقش نشریات تخصصی

پس از اصلاح نگرشها، به بخش سوم اصلی مطلب؛ یعنی نقش نشریات تخصصی می‌رسیم. نقش نشریات تخصصی را می‌توان از دو بعد تولید علم و توزیع علم

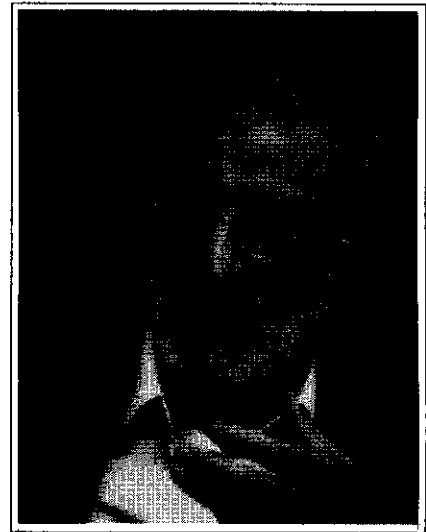
ظرفیتها و استعدادهای افراد باید مهمترین دغدغه دولت و نظام در اقتصاد و توسعه دانایی باشد. در حوزه اقتصاد هم این گونه است و دولت باید تمام ظرفیتهای اقتصادی جامعه را شکوفا کند. در حوزه علم نیز همین است. چگونه می‌شود یک نفر را تحریک کرد که بیشترین بازدهی علمی داشته باشد. دانشگاهها باید استقلال کامل داشته باشند تا بتوانند بیشترین بروز و ظهور استعدادها را دارا باشند. به تصور من هرگونه مداخله و قیدوبند، جلو نوآوری و خلاقیت فرد و سازمان را می‌گیرد. بنابراین آزادسازی فرد و سازمان از قیدوبندها و اجازه دادن به رشد و شکوفایی فرد و دسترسی به دانش و اطلاعات، کلید واژه اصلی جامعه اطلاعاتی است.

دکتر لطیفی: نگرش ما نسبت به اطلاعات مشکل دارد. یکی از مشکلات این است که ما فکر می‌کنیم اطلاعات باید مجانی و رایگان باشد. اطلاعات عامل تولید است و باید بابت آن هزینه پرداخت کرد. این امر یکی از علایم ورود به جامعه اطلاعاتی است.

از آنجا که برای اطلاعات ارزش قائل نیستیم، دچار مشکل می‌شویم. ما فکر می‌کنیم که نرم‌افزار را نباید خریداری کرد و باید به رایگان دریافت کرد، آموزش باید رایگان باشد، و کتاب را اگر می‌شود باید رایگان گرفت یا کپی کرد. بنابراین کتاب هم به سرنوشت نشریات تخصصی گرفتار شده است. بعضی ارگانها که خودشان باید حافظ و مشوق این قضیه باشند، به خود این حق را می‌دهند که به رایگان کتاب و مجلات تخصصی دریافت کنند. ولی باید توجه داشت که همه این موارد؛ یعنی عدم توسعه دانش و اطلاعات در یک کشور، کشوری که نمی‌داند که باید بهای اطلاعات و دانش را بپردازد، به توسعه در صنایع اطلاعاتی - دانشی دست نخواهد یافت.

دیدگاه هزینه‌ای

ضعف دیگر، هزینه انگاشتن آموزش است. ما آموزش و انتقال اطلاعات را در جامعه به عنوان سرمایه نمی‌بینیم و هزینه تلقی می‌کنیم. برای همین است که به



دکتر توفیقی:

آزادسازی فرد و سازمان از قیدوبندها و اجازه دادن به رشد و شکوفایی فرد و دسترسی به دانش و اطلاعات، کلید واژه اصلی جامعه اطلاعاتی است.

فردی که یادگیرنده نباشد در جامعه دانایی در حاشیه قرار دارد و نمی‌تواند در توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... مشارکت کند.

هرگونه فعالیتی که دسترسی مردم را به اطلاعات محدود و مسدود کند، برخلاف سیاستهای جامعه دانش محور است.

در جامعه اطلاعاتی دسترسی مردم به اطلاعات از طریق رسانه‌ها، نشریات، صداوسیما، دانشگاهها و مراکز رسمی و غیررسمی تعیین کننده است.

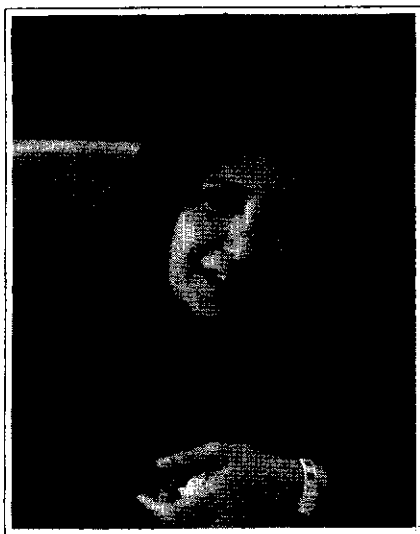
در جامعه دانش محور، رفتارها باید عقلایی باشد.

هرگونه مداخله و قیدوبند، جلو نوآوری و خلاقیت فرد و سازمان را می‌گیرد.

توسعه ظرفیتها و استعدادهای افراد باید مهمترین دغدغه دولت و نظام در اقتصاد و توسعه دانایی باشد.

برخورد احساسی و هیجانی از ویژگیهای جامعه دانایی نیست.

دانشگاهها باید استقلال کامل داشته باشند تا بتوانند بیشترین بروز و ظهور استعدادها را داشته باشند.



دکتر لطفی:

ما فکر می‌کنیم اطلاعات باید رایگان باشد، در حالی که اطلاعات عامل تولید است و باید بابت آن هزینه پرداخت کرد.

کشوری که نمی‌داند که باید بهای اطلاعات و دانش را بپردازد، به توسعه در صنایع اطلاعاتی - دانشی دست نخواهد یافت.

اگر به آموزش به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری نگاه کنیم، در آن صورت منطقی به ما حکم می‌کند تا سرمایه‌گذاری‌های خود را افزایش دهیم.

وقتی در نظام ارزیابی مدیران، ملاک بالابردن سود در کوتاه مدت باشد، مدیران سیاستهای صرفه‌جویی خود را به کاهش یا قطع هزینه‌های سرمایه‌ای از قبیل هزینه‌های آموزشی یا بهداشتی معطوف می‌کنند.

مجلات تخصصی از یک طرف پژوهشگران و دست‌اندرکاران تولید علم را به‌انجام کارهای پژوهشی ترغیب می‌کنند و از سوی دیگر با توزیع عادلانه علم، به ایجاد عدالت اجتماعی کمک می‌نمایند.

سرعت تولید و زمان مصرف اطلاعات به‌شدت افزایش یافته است.

با سواد کسی است که بتواند یاد بگیرد، به جهت سرعت اطلاعات، آموخته‌هایش را فراموش کند و بداند چگونه دوباره بیاموزد.

نقش کتب و مجلات تخصصی در عصر اطلاعات چندین برابر شده است.

ساده‌سازی علم و قابل مصرف کردن آن برای شهروندان و کارکنان و دست‌اندرکاران حوزه‌های مختلف. بنابراین نشریات تخصصی از یک طرف می‌توانند دستاوردهای علمی را به صورت روزآمد تبیین کنند، و از طرف دیگر علم را برای قابل مصرف شدن نزد مخاطب، ساده‌سازی نمایند.

دکتر ابوالعلایی: من فکر می‌کنم موضوع مورد بحث مانند سکه، دورو دارد. یک طرف سکه کسانی‌اند که مصرف‌کننده دانش و نتایج آموزشها و پژوهشها هستند و حتماً باید در مورد رفتارهای آنها تحلیل کرد. زیرا در خیلی از موارد، راه را اشتباه می‌روند. آن طرف سکه می‌تواند باعث تبلیغ و زمینه‌سازی شود و به همین جهت روی عرضه تاکید می‌کنم. یک سوال دارم و اینکه آیا مدیران و سیاست‌گذارانی که به دانش و آموزش و پژوهش باور دارند و این پدیده‌ها را سرمایه‌گذاری تلقی می‌کنند، اهمیت و مطلوبیت دانش را از دیگران شنیده‌اند یا شخصاً تجربه کرده‌اند؟ سوال دیگر اینکه آیا دانش و پژوهش و آموزش، فی‌نفسه برای سازمانها و بنگاهها و مدیران مطلوبیت دارد؟ یا اینکه به عنوان وسیله و ابزار و تسهیل‌کننده برای بسیاری مقاصد و نتایج باید به آن نگاه کرد. از این جهت موضوع عرضه، خیلی مهم می‌شود.

اثرات شاخص توسعه انسانی بر درآمد یک پژوهش خیلی بزرگ در غرب انجام شده است که مایلم به نتایج آن اشاره کنم. در سال ۱۹۹۹، یک موسسه مشاوره مدیریت به نام واتسون وات، ۴۰۰ شرکت مختلف را در آمریکای شمالی و کانادا با این هدف بررسی کرد که آیا در این شرکتها بین دو شاخص که یکی سرمایه‌گذاری برای ارتقای منابع انسانی است و دیگر وضعیت مالی شرکت که شاخص آن توزیع سود به سهامداران است، ارتباطی وجود دارد یا خیر؟ این بررسی نشان داد که همبستگی مثبت بین این دو شاخص وجود دارد. موسسه مزبور در سال ۲۰۰۰، همین پژوهش را در مورد ۲۵۰ شرکت دیگر در میان ۱۶ کشور اروپایی تکرار کرد. اوایل سال ۲۰۰۱، دوباره ۵۰۰ شرکت

مورد توجه قرار داد. مجلات تخصصی، پژوهشگران و دست‌اندرکاران تولید علم را به انجام کارهای پژوهشی ترغیب می‌کنند. به این ترتیب نشریات تخصصی، بازاری برای تولید علم است. از طرف دیگر مجلات تخصصی توزیع‌کننده عادلانه علم و دانش هستند که این نقش می‌تواند به ایجاد عدالت اجتماعی هم کمک کند.

در این میان، سرعت تولید و زمان مصرف اطلاعات به شدت افزایش یافته است. دیگر شما نمی‌توانید متکی به روشهای آموزشی عصر دودکش‌ها یا عصر صنعتی باشید. روشهای آموزشی سنتی جواب نمی‌دهد. امروز عنوان می‌شود به جای دست یافتن به دانش، باید بیاموزید که چگونه بیاموزید؛ یعنی خودآموزی مطرح است. به قول تافلر، امروز سواد، تنها سواد خواندن و نوشتن نیست، بلکه این است که چگونه بیاموزیم، چگونه آموخته‌ها را فراموش کنیم و بعد دوباره بیاموزیم. یعنی باسواد کسی است که بتواند یاد بگیرد، به جهت سرعت اطلاعات، آموخته‌هایش را فراموش کند و چگونه دوباره بیاموزد. چنین فرایندی، خودآموزی لازم دارد و وسیله‌اش کتاب و نشریات تخصصی است. به این ترتیب دیگر شما نمی‌توانید متکی به استاد و معلم در سر کلاس باشید و نقش کتب و مجلات تخصصی در عصر اطلاعات چندین برابر شده است.

مساله آخر هم در مورد مصرف است. ما باید سرمایه‌گذاری بکنیم تا چگونگی مصرف علم را یاد بگیریم. ما در سبب مصرف خانواده، هنوز چیزی به عنوان سهمیه برای اطلاعات و دانش نداریم و آن احساس نیاز را ایجاد نکرده‌ایم. یک سری زیرساخت‌های نرم در این زمینه‌ها لازم است تا یاد بگیریم چگونه از اطلاعات و دانش استفاده کنیم. بنابراین به مصرف‌کننده هم باید آموزشهای لازم را داد.

دکتر فرقانی: من به یک نکته فقط اشاره کنم تا بحث ذهنیت فرهنگی نسبت به اطلاعات، بیشتر روشن شود. به نشریات تخصصی اشاره شد. یکی از کارکردهای نشریات تخصصی تبدیل علم به فرهنگ است. یعنی

زیادی را باید در خودشان تقویت کنند تا بتوانند مأموریت‌شان را اجرا کنند. این قابلیت‌ها را به ترتیب اهمیت برشمرده‌اند. اولین قابلیت این است که آدمی که کارش توسعه منابع انسانی است، اگر نتواند با دیگران ارتباط موثر داشته باشد و روی دیگران اثر بگذارد، آدم موفق نیست. می‌خواهم بگویم حتی در جوامع دانایی محور هم هزینه کردن در حوزه منابع انسانی و رسانه و آموزش و پژوهش کار راحتی نیست. دومین قابلیت این است که آدمهایی که درگیر این کارند یا آموزش برای کارکنان سازمان طرح می‌کنند، اگر برنامه‌ریزی استراتژیک را نفهمند و به حل و فصل چالش‌های استراتژیک سازمان کمک نکنند، در کارشان موفق نیستند.

مجله‌ای توسط ASTD به نام TRAINING&DEVELOPMENT منتشر می‌شود. شعار مجله این چنین است: LEARN FAST, WORK SMART. GET

REASULT. شعار آخر خیلی مهم است و مدیران را به موضوع دانش و پژوهش علاقه‌مند می‌کند. یا اگر شعار (مرکز مدیریت اروپا) را نگاه کنید می‌گوید که ما فقط راجع به مدیریت حرف نمی‌زنیم، بلکه مدیریت را عملی می‌کنیم.

اهمیت اجرا

آقای دکتر نیوی که گاهی از شرکت فورد به ایران می‌آید می‌گوید که الان دنیا سه مشکل اساسی دارد: اجرا کردن، اجرا کردن، اجرا کردن. دنیا الان با مشکلی مواجه است به نام: THE KNOWLEDGE DOING GAP. می‌خواهم بگویم اگر ما نتوانیم دانش را در خدمت تحقق اهداف مان، در بهبود عملکردهایمان و موفقیت سازمان خود به کار ببریم، فی‌نفسه ارزش ندارد. الان مشکل ما در سازمانها این است که به دانش در سطح دنیا دسترسی داریم، اما زمینه برای اجرای آن دانش با محدودیت زیادی مواجه است. شاید بدبینی و تردید بعضی از مدیران نسبت به آموزش و پژوهش و مجلات تخصصی این است که خواندن این مجلات و شرکت کردن در کلاسها این شکاف را بیشتر می‌کند. یعنی مرتب به ما دانشی منتقل می‌شود که امکان به کارگیری آن را در مقام

آمریکایی دیگر زیر چتر این پژوهش قرار گرفتند. بنابراین، این پژوهش نزدیک هزار شرکت آمریکایی، کانادایی و اروپایی را شامل می‌شود. نتایج نشان داد که هر چقدر شاخص سرمایه‌گذاری در توسعه منابع انسانی سازمانها بالاتر باشد، نرخ سود پرداختی به سهامداران هم بالاتر است. نکته دیگر اینکه این شرکتها را به سه گروه تقسیم کردند: شرکتهایی که پایین‌تر از متوسط، در توسعه منابع انسانی‌شان سرمایه‌گذاری می‌کردند، به طور میانگین فقط ۲۱ درصد افزایش سود داشتند، شرکتهایی که در حد میانگین در توسعه منابع انسانی سرمایه‌گذاری می‌کردند، ۳۹ درصد افزایش سود داشتند و بالاخره شرکتهایی که بالاتر از میانگین برای ارتقای سرمایه‌های انسانی‌شان سرمایه‌گذاری می‌کردند، ۶۴ درصد به طور متوسط هر سال افزایش سود داشتند. اما بعداً به نتایج این تحقیق تردیدی وارد شد و آن اینکه آیا شرکتها به خاطر سرمایه‌گذاری که در آموزش و پژوهش و توسعه منابع انسانی می‌کنند سود خوبی می‌برند و درآمد خوبی کسب می‌کنند، یا داستان برعکس است و این شرکتها و نگاههای پردرآمد هستند که در زمینه منابع انسانی سرمایه‌گذاری می‌کنند. بنابراین یک کار آماری جالب با یک تاخیر دو ساله انجام شد. براین اساس سوال شد آیا درآمد شرکت در سال ۹۹ در افزایش شاخص توسعه انسانی ۲۰۰۱ آن اثر داشته است، یا شاخص توسعه انسانی در سال ۹۹ روی درآمد شرکت در سال ۲۰۰۱ تاثیر داشته است؟ بررسی کردند و مورد اولی تایید شد. به عبارت دیگر تاثیر شاخص توسعه انسانی بر درآمد ثابت شد.

می‌خواهم بگویم که مدیران نگاهها نتیجه‌گرا هستند. آقای دکتر توفیقی اشاره کردند که برای مدیر بنگاه، تصمیم‌گیری عقلایی است که آثار دانش و آموزش و پژوهش را برکسب و کارش در برخورد با چالشهای استراتژیک مشاهده کند و سپس باورمند، علاقه‌مند و مشتاق سرمایه‌گذاری کند.

ASTD در یک بررسی به این نتیجه رسیده است که کسانی که در زمینه توسعه منابع انسانی در سازمانها درگیرند، قابلیت‌های



دکتر ابوالعالی:

پژوهشها نشان داده است که بین دوشاخ سرمایه‌گذاری برای ارتقای منابع انسانی و توزیع سود به سهامداران شرکتها، همبستگی مثبت وجود دارد.

برپایه نتایج پژوهش در میان هزار شرکت آمریکایی، کانادایی و اروپایی هر قدر شاخص سرمایه‌گذاری در توسعه منابع انسانی سازمانها بالاتر باشد، نرخ سود پرداختی به سهامداران نیز بالاتر است.

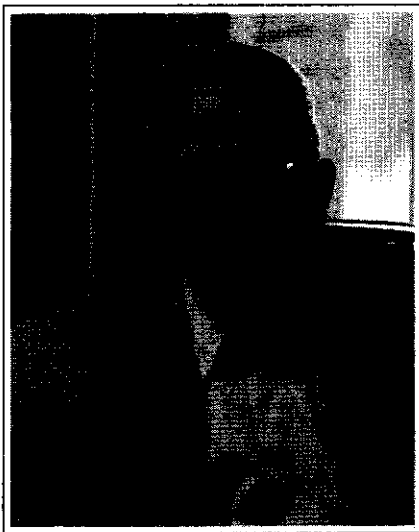
اگر ما نتوانیم دانشی را در خدمت تحقق اهداف و بهبود عملکردها و موفقیت سازمان خود به کار ببریم، فی‌نفسه دانش ما ارزشی ندارد.

مشکل ما در سازمانها این است که به دانش در سطح دنیا دسترسی داریم، اما زمینه برای اجرای آن دانش با محدودیت زیاد مواجه است.

به طور مرتب به ما دانشی منتقل می‌شود که امکان به کارگیری آن در مقام عمل را نداریم و در نتیجه شکاف (بین دانش و عمل) بیشتر می‌شود.

چالش هزینه، مساله‌ای است که مدیران سازمانها با آن خیلی درگیرند و برای مقابله با این چالش، نیازمند دانش مرتبط با آن هستند.





مهندس مرعشی:

ما در دوره‌ای قرار داریم که اختلال در سامانه اطلاعاتی و معرفتی ایجاد شده است.

آنچه اکنون با آن مواجه هستیم، به گونه‌ای است که اطلاعات متناسب با توسعه جامعه با کیفیت و اندازه لازم تولید، توزیع و مصرف نمی‌شود.

ما در وضعیت روان‌پریشی اجتماعی قرار گرفته‌ایم و در این حالت انتظار ندارم که سامانه تصمیم‌گیری اجتماعی در جامعه، بهنجار باشد.

وقتی مسایل اصلی و فرعی تفکیک نشوند و جامعه اصول را رها کند و به فروغ توجه داشته باشد، آینده جامعه با بی‌هنجاری مواجه می‌شود.

برای اینکه قاعده‌پذیر نباشیم و به سمت قاعده‌سازی حرکت کنیم، باید سطح معرفت و عقلانیت خودمان را بالا ببریم.

رسانه‌های تخصصی می‌توانند بین سیاستگذاران، مدیران و کارشناسان تفاهم ایجاد کنند.

باید ابتکار را به دست بگیریم، البته ابتکار مستلزم عقلانیت و عقلانیت نیز مستلزم دانش است.

عقلانیت توسعه‌یافته باید به دور از اختلال‌هایی باشد که در سامانه اطلاعاتی، فرهنگی و روانی جامعه در حال وقوع است.



الکترونیک و کاربرد کامپیوتر در روزنامه‌ها به عنوان اولویت اول انتخاب شد. بلافاصله ظرف مدت یک هفته این دوره با ظرفیت ۲۵ نفر برای یک کلاس طراحی شد. سپس ضمن اعلام نتایج نظرخواهی به مطبوعات از هر روزنامه درخواست کردیم که ۲ نفر را برای شرکت در این کلاس معرفی کند. جالب اینکه به جای روزنامه نگاران، ۶ نفر از کارکنان اداری روزنامه‌ها معرفی شدند و حتی یک نفر از همان افرادی که نیازشان را روزنامه نگاری الکترونیک اعلام کرده بودند، در این کلاسها شرکت نکردند.

نکته دیگر اینکه حال فرض را بر این اساس بگذاریم که ما نیازهای مدیران بنگاهها و محیطهای اجرایی را جواب نمی‌دهیم و در نظرخواهی‌ها، به این نکته رسیدیم که باید به این نیازها بپردازیم. تولیدکننده محتوا برای این نیازها چه کسانی هستند؟ به بیان دیگر باید یک نظام تولید دانش وجود داشته باشد. دانشگاهها، سازمانها و رسانه‌های ما عمدتاً مصرف کننده‌اند و این خود نشانه توسعه نیافتگی است. می‌خواهم عرض کنم که ظرفیت تولید دانش برای این نوع رسانه‌ها (نشریات تخصصی) وجود ندارد. در رسانه‌های عمومی این مشکل به مراتب کمتر است و هرکس می‌تواند به راحتی مطلب بنویسد. اما آنجا که باید استدلال علمی و تولید دانش کنید، ابزارش را ندارید، به دلیل اینکه توسعه نیافته‌اید. وقتی تولید دانش ندارید، همچنان شکاف و فاصله با توسعه داناتی محور، بیشتر خواهد شد.

دکتر لطیفی: نکته‌ای که می‌خواهم اضافه کنم این است که حتی پژوهش هم انجام نمی‌شود. چرا نمی‌شود؟ به خاطر اینکه مجلاتی وجود ندارند تا پژوهشگران مطالعه کنند و یا یافته‌های پژوهشی خود را در آنها منتشر نمایند. اگر پژوهشی هم صورت می‌گیرد، منتشر نمی‌شود و مدفون می‌شود. بنابراین یک چرخه معیوب وجود دارد و اجازه نمی‌دهد این شکاف علمی، کمتر شود.

مهندس مرعشی: به ما این گونه آموخته‌اند که توسعه، آدم توسعه یافته می‌خواهد، آدم توسعه یافته هم محیط توسعه یافته

عمل نداریم. سیاستی که بعضی از شرکتهای تولیدکننده محصول دارند این است که ببینند مشتریان آنها چه کسانی‌اند و سعی می‌کنند در فرایند طراحی و تولید، نمونه‌ای از سلیقه‌های مشتریان را دخالت بدهند. مثلاً شرکتی که خریداران محصول آن فقط جوانان است، طراحان محصول نمی‌توانند مسن باشند. من می‌گویم چقدر ما در تولید نشریات تخصصی، از خانواده مخاطبان در سیاستگذاری و طراحی و اولویت‌گذاری مشارکت گرفتیم؟ چقدر در طراحی آموزشها از مخاطبان نماینده گرفته ایم؟ این رویکردها می‌تواند به ما کمک کند. آخرین سخن من این است که به نظر می‌رسد سیاست کاهش هزینه با چالشی که درموردش بحث کردیم ارتباط دارد، ضمن اینکه همین تهدید و چالش می‌تواند یک فرصت باشد. چالش هزینه، مساله‌ای است که مدیران سازمانها با آن خیلی درگیرند و برای مقابله با این چالش، نیازمند دانش مرتبط با آن هستند. آیا رسانه‌ها و مجلات تخصصی مدیریت ما می‌توانند به مدیران کمک کنند تا کاهش هزینه‌ها را بهتر انجام بدهند؟ بنابراین اگر سراغ نیازمندیهای دارای اولویت مخاطبان مجلات یا کلاسهای آموزشی برویم، قطعاً استقبال آنها از این برنامه‌ها بیشتر می‌شود. درحالی‌حال من فکر می‌کنم روند کاهش توجه مدیران به آموزشها و پژوهشها و نشریات تخصصی حتماً مخاطره‌آمیز است. برای اینکه با این مخاطره مواجه نشویم، طرف تقاضا حتماً باید اقداماتی انجام بدهد.

دکتر فرقانی: به نکات خوبی اشاره شد. من اجازه می‌خواهم فقط به چند نکته اشاره‌ای کوتاه داشته باشم. بحث نیازسنجی از مخاطب مطرح شد. ما این تجربه را چند سال قبل در مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها انجام دادیم. علاوه بر آماده کردن یک بسته آموزشی درمورد آموزش روزنامه نگاری، دست به یک کار پژوهشی زدیم و ضمن به کارگیری چند پرسشگر از آنها خواستیم با مراجعه به تحریریه روزنامه‌ها و مجلات، دو اولویت آموزشی را از روزنامه نگاران سوال کنند. حدود یکصد نفر از اعضای تحریریه روزنامه‌ها در این نظرخواهی شرکت کردند. براساس این نظرخواهی، آموزش روزنامه نگاری

موارد از لوازم کار است. اگر این چنین نکنیم، آن وقت در شرایطی که امروز همه جوامع تلاش می کنند که در مدار قاعده سازی تنظیم سرنوشت جهان امروز حضور پیدا کنند، لاجرم قاعده پذیر خواهیم شد. بنابراین برای اینکه قاعده پذیر نباشیم و به سمت قاعده سازی حرکت کنیم، باید سطح معرفت و عقلانیت خودمان را بالا ببریم. عقلانیت توسعه یافته باید دوری از اختلال هایی باشد که در سامانه اطلاعاتی، فرهنگی و روانی جامعه در حال وقوع است. در پایان چند پیشنهاد داریم. نخست اینکه طی نامه کوتاهی به مخاطبان، بر سرمایه ای بودن هزینه خرید نثریات تخصصی تاکید شود. علاوه بر این مدیران مسئول و سردبیران نثریات تخصصی، ضمن تبادل نظر و تشکیل جلسات مشترک این موضوع را یک مساله اجتماعی و فرهنگی تلقی کنند، نه یک موضوع درآمدی یا ادامه حیات کوتاه برای نشریه. افزون بر این از تشکلهای مردمی هم می توان در این زمینه بهره گرفت. در هر حال باید توجه تمام مخاطبان ذی ربط را به این آسیب اجتماعی معطوف داشت.

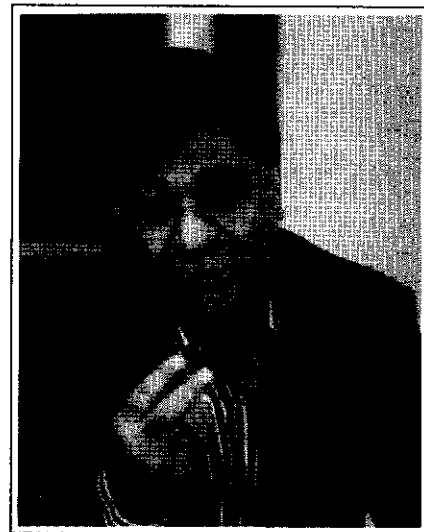
دکتر فرقانی: از مشارکت صاحب نظران ارجمند در این بحث مهم و اساسی سپاسگزارم. به نظر می رسد دولت و همه اجزای زیرمجموعه آن، از حیث فراهم سازی بسترهای آموزشی مستمر، بازآموزی، تولید، توزیع و مصرف اطلاعات و دانش باید در سیاست های جاری تجدیدنظر کنند. آمار قطع اشتراک مجلات علمی و تخصصی توسط موسسات و بنگاههای دولتی، صنعتی، تجاری و اجرایی در بخش دولتی، نگران کننده است. سوال اساسی که در این میزگرد به آن پرداخته شد این بود که در عصر جهانی شدن و در جامعه معرفتی و اطلاعاتی، چگونه می توان این رویداد غیرفرهنگی و غیرعلمی را توجیه کرد. امید است بحثهای این نشست بتواند تحولی مثبت در این عرصه به وجود آورد و ما شاهد تغییر این نگرش باشیم که دسترسی و خرید نثریات تخصصی را در سازمانها صرفاً «هزینه» می پندارد، درحالی که جهان امروز در مسیر عکس این تفکر حرکت می کند. □

می خواهد. ما در دوره ای قرار داریم که اختلال درسامانه اطلاعاتی و معرفتی جامعه ایجاد شده است. درواقع آنچه که ما اکنون با آن مواجه هستیم، به گونه ای است که اطلاعات متناسب با توسعه جامعه با کیفیت و اندازه لازم تولید، توزیع و مصرف نمی شود. اما به دلیل نوع ارتباطاتم در بخشهای تولید، مشاوره، پژوهش و آموزش با افراد مختلف، به نظر می آید ما در وضعیت روان پریشی اجتماعی قرار گرفته ایم. دراین حالت دیگر انتظار ندارم که سامانه تصمیم گیری اجتماعی در جامعه بهنجار باشد. علاوه بر مصرف کنندگان، تولیدکنندگان و عرضه کنندگان خدمات و محصولات هم در تمام قلمروها اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، یک رفتار بهنجار ندارند. البته مطالبی که عرض می کنم بر مبنای مشاهدات اجتماعی است و نه مطالعات عمیق جامعه شناسانه. این مساله روان پریشی اجتماعی را رفتار مدیران ارشد و کلان جامعه تشدید می کند. خصوصاً اگر مدیران ارشد جامعه به گونه ای با مردم سخن بگویند که مردم به پیش نیازهای منطقی موفقیت در هر زمینه ای پی نبرند و فکر کنند به سادگی می شود به عنوان مثال در عرصه تولید و یا مسابقات فوتبال شگفتی آفرید.

به نظر من نگرانی از این مطلب بیشتر از آن است که آقای دکتر فرقانی و خاتم دکتر لطیفی فرمودند. بنابراین وقتی مسایل اصلی و فرعی تفکیک نشوند و جامعه اصول را رها کند و به فروع توجه داشته باشد و به جای فضیلت سازی، فضیلت سوزی را پیشه کند، آینده جامعه با بی هنجاری مواجه می شود.

رسانه ها: ابزار تفاهم اجتماعی

در چنین شرایطی لازم است که به محیط توسعه یافتگی کمک کنیم. رسانه ها می توانند ابزارهای تفاهم اجتماعی باشند. رسانه های تخصصی می توانند بین سیاستگذاران، مدیران و کارشناسان تفاهم ایجاد کنند. در شرایط امروز که در فرایند جهانی شدن قرار داریم، ما نمی توانیم منزوی و درعین حال نمی توانیم منفعل باشیم، بنابراین باید ابتکار را به دست بگیریم. ابتکار مستلزم عقلانیت و عقلانیت مستلزم دانش است. این دانش نیز مستلزم توزیع اطلاعات است. این



دکتر فرقانی:

در جامعه دانایی محور باید ظرفیت های دانشی جامعه تقویت شده و جریحه های آن تکمیل شوند.

ایجاد و توسعه جامعه اطلاعاتی و معرفتی، بستر ساز توسعه دانایی محور است.

یکی از کارکردهای نثریات تخصصی، تبدیل کردن علم به فرهنگ است.

تا زمانی که تولید دانش در جامعه فراگیر نشود، توسعه دانایی محور، محقق نخواهد شد.

جهان امروز دسترسی و خرید نثریات تخصصی را در سازمانها یک نوع سرمایه گذاری می پندارد.

آمار قطع اشتراک مجلات علمی و تخصصی توسط موسسات و بنگاههای دولتی، صنعتی، تجاری و اجرایی در بخش دولتی، نگران کننده است.

باید یک نظام تولید دانش وجود داشته باشد. دانشگاهها، سازمانها و رسانه های ما عمدتاً مصرف کننده اند و این خود نشانه توسعه نیافتگی است.

